

# میرپری شری

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳

No.35 Summer 2014

۲۲۹-۲۵۴

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷

## گونه‌شناسی جدید در تکوین پراکنش‌های فضایی مناطق کلان‌شهری (نمونه مطالعه: رشد متاستاتیک در محور شرق منطقه کلان‌شهری تهران)\*

رضا خیرالدین\* - استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نارمک، تهران، ایران.  
رضا پیروزی - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نارمک، تهران، ایران.

A New Typology of Spatial Spread Genesis in Metropolitan Areas (Case Study: Metastatic Growth in Eastern Corridor of Tehran Metropolitan Area)

### Abstract

Various kinds of growth have been documented and categorized in metropolitan areas, all of which have some form of coordination with the structure of the metropolis. However lack of attention to territory planning policies, concentration of activities, capital and population in the metropolis have brought about major difficulties for the main city. In Tehran metropolitan area, the city of Tehran is experiencing unplanned and tumor-like growth. At the same time new types of dispersed growth in this area are manifesting a different characteristic because they are not spatially or physically in cohesion with the main center. This new type of spread is due to many reasons and houses different social strata. However, the systematic relation between the new type of spread and the growth of metropolis has not been spatially analyzed. One of the most important types of this new spread is growth of luxury second homes which has many social, structural and economic implications. Due to similarities of this type of spread with the spread pattern of cancer tumors through vessels to further areas, the "Metastasis" notion was used to explain this new phenomenon. This article uses cartographic methods and field observations to discern the characteristics of the spread of second homes, especially in Damavand County. Detailed understanding of this phenomenon provides the necessary basis for effective planning of metropolitan areas that are experiencing the same pattern of spread. Further research in this area can be about detailed analysis, patterns, required methods, tools and planning related to "metastatic growth".

**Key words:** Metropolization, Metastasis, Urban sprawl, Tehran, Damavand County

چکیده  
در ادبیات مرسوم، مفاهیمی برای گسترش‌های روبه گسترش در مناطق کلان‌شهری معرفی و دسته‌بندی می‌شود که بر نوعی وابستگی فضایی با ساختارکلی مادرشهر یا حومه‌های آن تاکید دارد. در حالی که اشکال جدید گسترش فضایی در مناطق کلان‌شهری همچون تهران، گونه‌های مختلفی از پراکنده‌رویی را نشان می‌دهد. با توجه به در نظر نگرفتن سیاست‌های آمایش سرزمینی، تمرکز فعالیت، سرمایه و جمعیت و درنتیجه مهاجرت‌های فراوان به مرکز پایتخت، مادرشهر به هسته‌ای با مشکلات عدیده و همچون غده‌ای سلطانی، در حال رشد و غیرقابل کنترل تبدیل شده است. در این گونه‌ها، هیچ پیوستگی کالبدی و فضایی با ساختار مادرشهر و حومه‌های مرتبط با آن مشاهده نمی‌گردد. با توجه به ویژگی‌های الگوی جدید در منطقه کلان‌شهری تهران، هسته اصلی تمرکز (غده سلطانی) در فاصله‌های دور دست خود، بدون هم‌جواری و هیچگونه چسبندگی، دست‌یازی می‌کند. پیدا شدن پهنه‌هایی مانند مشاهده، آسیبد و گیلان در شهرستان دماوند در محور شرقی منطقه تهران که هیچ ارتباط فضایی مشخصی با هسته اصلی ندارد و در عین حال متأثر از جریان‌های قوی اجتماعی، فرهنگی و حمل و نقلی آن می‌باشد، از این دست به شمار می‌آید. پژوهش حاضر در بی‌شناسایی روند تبیین این گونه‌ی جدید رشد سکونت‌گاهی در مناطق کلان‌شهری است. شباهت این الگو با گسترش غدد سلطانی از مسیر رگ‌های خونی و لفه‌های در رفتار تومور اصلی در بدن انسان، منجر به استفاده از مفهوم متاستاز<sup>۱</sup> برای این الگو در مطالعه حاضر گردید. با توجه به اینکه تحلیل این گونه گسترش بال‌گوهای تحلیل فضایی مرسوم و موجود امکان پذیر نیست، با بهره‌گیری از شیوه‌های کارتوگرافیک، بررسی عملکردها، مشاهده‌های میدانی سکونت‌گاه‌های مذکور به ویژه در شهرستان دماوند، از چارچوب رشد متاستاتیک<sup>۲</sup> (فراگسترنی) در علوم پزشکی برای تعیین این نوع گسترش فضایی در منطقه کلان‌شهری استفاده شد. با توجه به اینکه این گونه‌ی رشد در مناطق کلان‌شهری مختلف در نقاط دیگر ایران و جهان نیز در حال رشد و شکل‌گیری است، این مطالعه می‌تواند راهی برای تحلیل دقیق الگوهای گسترش در آن‌ها و آغازی برای اصلاح برنامه‌ها، الگوها، شرح خدمات و حتی روش‌های جمع‌آوری اطلاعات برای مدیریت کلان‌شهری آتی به حساب آید.

وازگان کلیدی: کلان‌شهری شدن، متاستاز یا فراگسترنی، خوش شهری، تهران، دماوند

\* این پژوهه با حمایت مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی و سفارت فرانسه در ایران انجام شده است.

\*\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۰۹۱۰، رایانامه: reza\_kheyroddin@iust.ac.ir

1. Metastasis: Change of position, state or form: as A; transfer of a disease producing agency (as a cancer cells or bacteria) from an original site of disease to another part of the body with development of a similar lesion in the new location B; a secondary metastatic growth of a malignant tumor (Merriam Webster, 1995)

- متاستاز یا فراگسترنی در پزشکی: جدا شدن سلول‌های سرطانی از تومور اصلی و حرکت به نقاط دیگر بدن موجودات زنده توسط چرخه خونی و لفناوی. در فرهنگ پزشکی دولندا: انتقال بیماری از یک عضو یا قسمت بدن به عضو یا قسمت دیگر یا یک ضایعه‌ی ثانویه که کمی دورتر از محل ضایعه‌ی اولیه قرار می‌گیرد و

عامل ایجاد آن به وسیله خون یا لف به محل جدید حمل می‌شود (دولندا، ۱۳۸۰)

2. Metastatic Growth

## مقدمه و طرح مسئله

کلانشهری شدن یا توسعه کلانشهری، مفهومی است که در ادبیات شهر و منطقه برای تبیین روند تشکیل شبکه سکونتگاهی یا نقاط شهری و روستایی در حوزه‌های مادرشهری وجود دارد. این مفهوم که معمولاً با تغییر در عملکرد نقش نقاط و قطب‌ها همراه است، حرکت از مرکز به سوی توسعه پهنه‌ای و منطقه‌ای را توضیح می‌دهد. در حالی که تحولات سال‌های اخیر در برخی مناطق کلانشهری همچون تهران گونه‌های مختلفی از تشکیل نقاط جدید را نشان می‌دهد که لزوماً پدیده‌هایی به سوی توسعه تلقی نمی‌شود. برای تبیین شکل و گونه‌ی رشدگاه‌های اطراف مادرشهرها، مفاهیمی چون قطاعی، حاشیه‌ای، حومه‌ای تپراکنده رویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخلاف وجود برخی وابستگی‌های فضایی میان سکونتگاه‌های پراکنده و ساختار مادرشهر یا حوزه‌ی آن در پراکنده رویی، رشدگاه‌ی پراکنده در شرایط جدید و موردن بحث در مطالعه حاضر، بدون پیوستگی با ساختار مادرشهری و منطقه کلانشهری به وجود می‌آید. در واقع رشد و گسترش سکونتگاه‌های در عرصه فضا بدون ساختار و درنظرگرفتن آمایش فضایی و اعتدال میان روابط سکونت و فعالیت از شاخصه‌های اصلی نمونه‌ی مذکور می‌باشد. این گسترش‌ها، گونه‌ها و عوامل مختلفی دارد که رده‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در خود جای می‌دهد (مانند قرقچک: افراد با سطح درآمدی پایین، گیلاند: افراد متوسط، مشا: افراد با درآمدهای بالا). با توجه به ادبیات موجود، ارتباط نظاممند این الگوی گسترش با مادرشهر کمتر مورد تحلیل فضایی قرار گرفته است. مادرشهر تهران به عنوان پایتخت بزرگ سر<sup>۱</sup> ایرانی، در سال‌های دراز عامل جذب و زهکشی منابع و سرمایه‌های کشور بوده و در سال‌های اخیر این نقش را با نقاط سکونتگاهی اطرافش به اشتراک گذاشته است. نقاط مذکور مقاصد مهاجرت‌های جدید از شهرها و روستاهای افراد عادی و غیرمتخصص به مادرشهر

## مبانی نظری

۱. متروبولی‌زاپسیون<sup>۲</sup> یا کلانشهری شدن پراکنده‌ی پدیده‌های جغرافیایی و یا فعالیت‌های اقتصادی در سطح یک منطقه تحت شرایط خاص خود، شکل‌گیری الگوهایی را امکان‌پذیر می‌سازد، که اکثر الگوی فضایی حاصل تصمیم‌گیری‌های انسانی است (شکویی، ۱۳۸۶). فرآیند و شکل‌یابی سازمان فضایی مناطق کلانشهری تحت تأثیر عوامل کالبدی مرتبط با بستر طبیعی و همچنین عوامل سیاسی و در واقع فرهنگ حاکمیت رایج در منطقه کلانشهری، فرم اختصاصی و محلی می‌یابند (Simmonds & Hack, 2001).

3. Macrocephalic  
4. Metropolization

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۳۱

فعالیت در شهرهای بزرگ و از سویی شکل‌گرفتن جریان پویایی پراکنده شدن و مرکزگریزی جمعیت - فعالیت، متناقض‌نمای متropolی‌زاسیون را پدید می‌آورد. این دو فاز، به دو مرحله متropolی‌زاسیون منجر می‌شود:

- تمرکز عمومی از مناطق مختلف به سمت مراکز مادرشهرها و در بی آن پراکنده شدن داخل حوزه‌ی مادرشهری از مرکز به حومه (Moriconi, 2000). زبردست و حاجی پور با عنوان «پویش همزمان پیوستگی و گسیختگی» (زبردست و حاجی‌پور، ۱۳۸۸) از این خصیصه نام برده‌اند و همچنین معتقدند اشاعر و گرانی زمین و ساختمان به موجب فزوئی تقاضا برای فضا در مراکز شهرهای بزرگ، و دسترسی همزمان به مناطق و نواحی دوردست در پی بهبود شیوه‌های حمل و نقل، به رانش جمعیت و فعالیت‌های تولیدی زمین بر از نواحی مرکزی به پیرامون و هاله شهری می‌انجامد. در واقع برخی معتقدند پدیده‌ی منطقه کلان شهری، برآیندی است از مجموعه فرآیندهایی که در روند تحول و توکین مادرشهر به منطقه کلان شهری رخ داده است. این مادرشهرها در مقطعی از فرآیند توسعه و تمرکز خود، در

پی افزایش هزینه‌های ناشی از انبوهی و تجمع، به پالایش عملکردی پرداخته‌اند و بخشی از عملکردها و به همراه آن جمعیت را در فضاهای پیرامونی شان پراکنده‌اند. بدین ترتیب پس‌کرانه‌های وسیعی از جاذبه و نفوذ در هاله‌ی پیرامونی کلان شهری به وجود آمده، تا جایی که پویش جست و جوی فضابرای اشتغال و اسکان را می‌توان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری مناطق کلان شهری قلمداد کرد.

برخی دیگر نیز تعریف این مفهوم را به گونه‌ای مرتبط با نظام شهری مطرح ساخته‌اند. براین اساس، کلان شهری شدن عبارت است از فرآیند حرکت و یا جدال برای داشتن مکانی برجسته در سلسله مراتب نظام شهری و منطقه‌ای. این فرآیند فراتر از رشد و گسترش کمی شهرنشینی در مفهوم کلاسیک آن است، و در واقع تمرکز کیفی عملکردهایی است که مادرشهر را به کانون رقابت با دیگر مراکز، به منظور تقویت و تحکیم جایگاه آن، تبدیل

متropolی‌زاسیون، اغلب برای تبیین روند شکل‌گیری مناطق کلان شهری به کار گرفته می‌شود. این پدیده، شهرهای زیادی از کشورهای توسعه‌یافته را تحت تأثیر قرار داده است. این فرآیند معمولاً بر اثر تغییرات به وجود

آمده در دوران پساصنعتی همچون رشد سریع خدمات سطح بالا برای سلطه‌ی اطلاعات و تحولات وسیع فرآیندهای تولید حاصل شده است. این روند موجب تخصصی شدن فزاینده فعالیت‌های شهرهای درگیر (از جنبه‌هایی چون اطلاعاتی و نیروی کار ماهر) و همچنین ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و سازمان فضایی آن‌ها می‌شود. به همراه این بازسازی اقتصادی، Metropolی‌زاسیون به معنای تغییر شکل فضای منطقه شهری، به خصوص از طریق ظهور «ساختارهای چندمرکزی»<sup>۵</sup> و همچنین تخصصی شدن مراکز شهری برای عملکردهای خاص است. این ساختارهای جدید اقتصادی و فضایی، دربرگیرنده تعاملات نزدیک و فشرده‌ای است. تغییرات در نقش مادرشهرها در نظام داخلی و بین‌المللی خود و بدل شدن به گره‌هایی مهم در تعاملات جهانی، از دیگر نشانه‌های این روند است (Bourdeau & Huriot, 2002).

این بدان معنا است که Metropolی‌زاسیون به صورت منطقی می‌تواند از طریق تمرکز عملکردهای منطقه کلان شهری، سازمان فضایی داخل شهر، و شدت یافتن طیف تعاملات خارجی آن درک و شناخته شود. تغییر ساختار اقتصادی و فضایی حاصل از Metropolی‌زاسیون، روندی آشنا در کشورهای صنعتی شده به شمار می‌آید. بوردو لویژ Metropolijs را با ترادیسی اصلی اقتصاد پساصنعتی و فرآیندهای تجمعی مرتبط می‌داند (2011)

(Bourdeau,

## ۱.۱ متropolی‌زاسیون و چند مرکزگرایی<sup>۶</sup>

زوج جهانی شدن - Metropolی‌زاسیون به عنوان موتور تحولات دنیای امروز عمل می‌کند. فرآیند دوم با ساختار داخلی گسترش شهری و منطقه‌ای، به عنوان محصول قرارگیری سکونت و فعالیت در عرصه‌ی فضای منعماً یابد. این دو فرآیند منجر به کنترل تخصصی شدن فضایی و مرکزگرایی‌های جدید می‌گردند. حرکت و تمرکز جمعیت و

5. Multicentric Structures
6. Polycenerism

زندگی شناخته می‌شود. فراهم شدن خدمات عمومی و بخش‌های تجاری به عنوان زیرساخت‌های نوین، شرایط را برای تجمع افراد در نقاط جدید ایجاد می‌کند (2010 Pyka). در شکل زیر، مراحل حرکت به سوی ساختارهای چندمرکزی در فرآیند کلان‌شهری شدن به صورت تصویری و بازبان ساده‌ی نمادین بیان شده است. باید توجه داشت که در تمام تعاریف ارائه شده در مورد فرآیند کلان‌شهری شدن و مفاهیم مرتبط، تاکید اصلی بر تغییر نقش‌ها است. همان طور که دومتریکا و دینو نیز اشاره کرده‌اند، متropolی‌زاسیون فرآیندی است که از دیدگاه ساختار عملکردی به پیکربندی مجدد فضایی منجر می‌شود (Dumitric & Dinu, 2013).

البته این فرآیند از دیدگاه جغرافیایی و یا فعالیتی می‌تواند نمودهایی مانند بازتعریف گروه‌های جمعیتی در نقاط سکونت‌گاهی و یا گردهم آمدن و تخصصی شدن فعالیت‌ها را در پی داشته باشد، اما بدان معنا نیست که حرکت به سوی کلان‌شهری شدن، با تغییرات اساسی در مرزهای روستا، شهر و شهرستان آغاز شود.

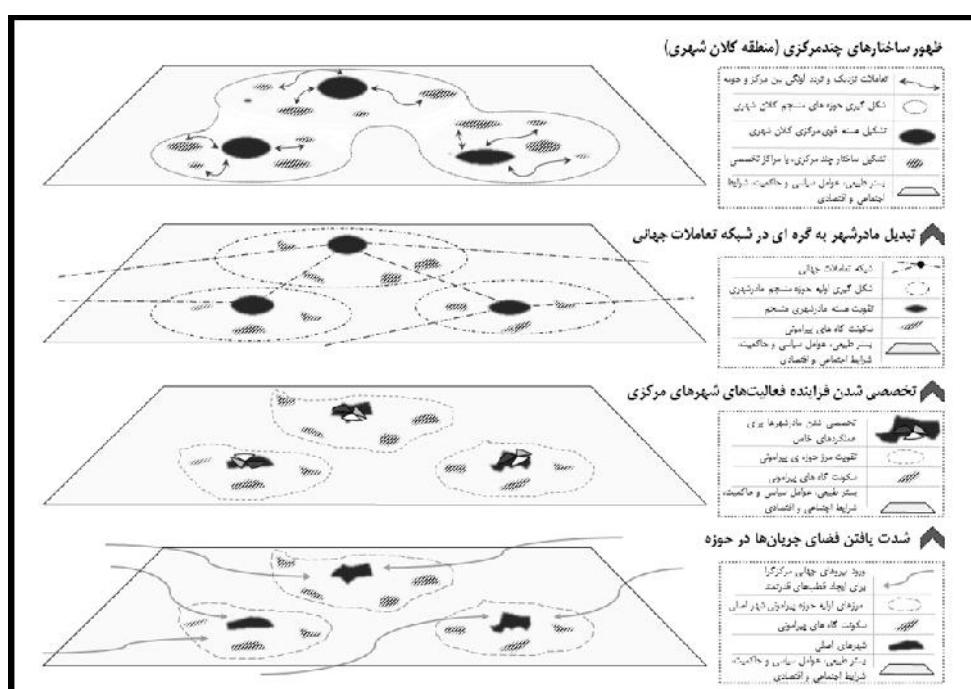
## ۱.۲ پراکنده‌رویی یا خوش شهری در مناطق کلان‌شهری در ادبیات رشدی‌های مناطق کلان‌شهری، به پراکنده‌رویی

می‌کند (زبردست و حاجی‌پور، ۱۳۸۸). این روند با رویکردها و عملکردهای مختلف، دارای پیامدهای مثبت و منفی بوده است (Bourne, 1999). متropolی‌زاسیون ممکن است بر اثر دلایل مختلف همچون ناتوانی یا ناهمانگی مدیریت منطقه‌ای و محلی و رشد پراکنده بر اساس گرایش‌های معمول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... به شکل‌گیری مراکز مجزا و منطقه‌ای با نابرابری و عدم تعادل، منجر شود. فرم مناطق کلان‌شهری در اثر متropolی‌زاسیون ناصحیح و پراکنده شدن قطب‌های جدید، عاملی برای دشوار ساختن مدیریت و کنترل منطقه به حساب می‌آید. در اکثر موارد، به غیر از افتراق فضایی، ایجاد انواع مختلف از سیستم‌های شهری و روستایی با خصوصیات متفاوت و حتی متضاد، مشکلات بیشتری را پدید می‌آورد. از جمله خصوصیات اصلی این‌گونه از رشد منطقه‌ای می‌توان به مقیاس گسترده جغرافیایی و جمعیتی، پراکنده‌ی از مرکزگرایی و توسعه معنای تراکم کم نیست) و ترکیبی از مرکزگرایی و توسعه هسته‌ای و فرم‌های حومه‌ای اشاره نمود. این مناطق با پیچیدگی انبوه در زمینه‌هایی همچون اقتصاد منطقه‌ای، مراکز تولید، منظر اجتماعی و فضاهای

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۳۲



شکل ۱. حرکت به سوی ساختارهای چندمرکزی در فرآیند کلان‌شهری شدن؛ مأخذ: نگارندگان.

اشاره می‌شود. تدوام پراکنده‌رویی و خزش شهری<sup>۲</sup>، از عمدۀ ترین مسائل مناطق کلان‌شهری، که به معنی گسترش فضایی بی‌رویه و نامنظم ساخت و سازهای کلان‌شهری است. پراکنده‌رویی در فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به معنای پخشایش کنترل نشده‌ی توسعه بر روی زمین راستایی یا زمین توسعه نیافته است. تبدیل زودرس زمین راستایی یا زمین توسعه زمین‌های جنگلی به کاربری شهری و توزیع توسعه به خارج از شهرها است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۵). این در حالی است که در بخشی از رشدهای جدید در حوزه‌های مادرشهری، حرکت به سوی تبدیل به کاربری‌های شهری صورت نمی‌گیرد یا در برخی دیگر، توسعه همزمان کاربری‌های مختلف شهری بروز نمی‌یابد و معمولاً به سکونت بدون تسهیلات و زیرساخت‌های اولیه محدود می‌شود. میزان بالای تملک اتومبیل، وجود تسهیلات حمل و نقل پیشرفته مرکز-پیرامون، تنزل کیفی زندگی در مراکز شهری بزرگ در همراهی با ارزان بودن زمین در پیرامون مادرشهرها، اعمال کنترل ضعیف بر رشد در خارج از محدوده شهرداری‌ها و زمین‌های کشاورزی اطراف و فقدان مرجع و رویکرد یکپارچه در حکمرانی این‌گونه مناطق موجب تشیدید روند پراکنده‌رویی می‌گردد (طبیبیان و اسدی، ۱۳۸۷)، که در گونه‌ی مورد بحث در پژوهش حاضر، بسیاری از مشخصه‌ها و زمینه‌های بیان شده (همچون حمل و نقل پیشرفته مرکز-پیرامون) جایگاهی ندارد.

مشخصات گونه‌های بیان شده که جهاتی از گسترش فضایی و تحولات مناطق کلان‌شهری را بیان می‌کند در بیان مختصاتی روش از پراکنش‌های مورد بحث این پژوهش نارسا به نظر می‌رسد. به بیانی دیگر، هیچ‌کدام به صراحت در مورد شکل‌گیری برخی سکونت‌گاه‌ها در محدوده فراگیر مناطق کلان‌شهری که ظاهرآ هیچ پیوستگی و ارتباط کالبدی و فیزیکی با مادرشهر مرکزی ندارد و در عین حال، در ارتباط و تحت تاثیر مستقیم مادرشهر است، مطلبی ارائه نمی‌کند.

## ۲ روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، هدف تبیین ابعاد و روند رشد و گسترش سکونت‌گاه‌های جدید در مناطق کلان‌شهری پی‌گیری شده است. محور شرقی منطقه کلان‌شهری مستقل و بدون درنظرگرفتن تضاد با تصمیم‌گیری نواحی مجاور عمل می‌کند (Pn, 1999). پراکنده‌رویی در کشورهای در حال توسعه اغلب به صورت سکونت‌گاه‌های خودرو در مناطق پیرامونی شهرهای بزرگ یا رستاهایی با نرخ رشد بسیار بالای جمعیتی است و در کشورهای توسعه‌یافته به صورت مناطق

است. با مطالعه‌ی مباحث مرتبه با تومور اصلی سرطانی و فرایند متاستاز در علوم پزشکی و انطباق آن با گسترش‌های فضایی و تحولات کالبدی در محدوده‌های فراگیر مادرشهرها، الگوی تحلیلی محدوده‌ی مورد مطالعه روشن شده و مشخصات گونه جدید مورد بحث در تحول فضایی منطقه و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های جدید تبیین می‌شود.

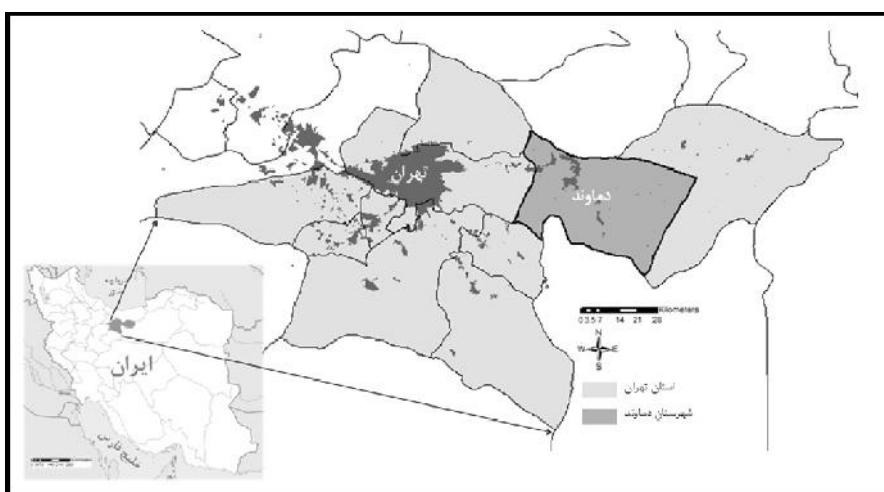
**۳ شهرستان دماوند؛ مقصد پراکنش سکونت‌گاه‌های جدید در محور شرقی منطقه‌کلان‌شهری تهران**  
سکونت در شهرک‌ها و مجموعه‌های جدید اطراف شهرهای کوچک برای فعالیت در شهر اصلی و یا از دیگر سو، میل به گذران فراغت در محورها و نقاط روستایی خوش آب و هوا و ساخت و ساز ویلاهای روستایی، پهنه‌ها و نقاط جدیدی را در حوزه فراگیر مادرشهر تهران شکل داده است. نزدیکی و تنوع انواع سکونت‌گاه‌های جدید و شرایط مساعد محور شرقی تهران برای رشد و توسعه، موجب انتخاب محور مذکور به عنوان نمونه‌ی موردي این مطالعه گردید. نمونه‌های روشن و قابل بررسی مورد نظر به خصوص در شهرستان دماوند مورد بررسی قرار گرفته است. شهرستان دماوند در شرق استان تهران و در فاصله ۴۸ کیلومتری و در حد فاصل مسیر ارتباطی جاده هراز و تهران فیروزکوه واقع شده است. به طور کلی محدوده شهرستان دماوند از رشته‌کوه‌های

سامانه‌ی پیچیده‌ی شهر و منطقه، در این پژوهش روندی گام به گام برای شناسایی ریشه‌ها و عوامل بروز ساخت و سازهای جدید در مناطق کلان‌شهری پیگیری شد. با کندوکاو در گونه‌های ارائه شده برای انواع رشد و پراکنش سکونت‌گاه‌ها در ادبیات مرسوم، تفاوت‌هایی میان رویه‌ی گسترش‌های جدید و گونه‌های بیان شده روشن شد. با توجه به لزوم تعریف چهارچوبی مشخص برای تبیین گونه‌ی جدید رشد و پراکنش فضایی سکونت‌گاه‌ها در منطقه‌کلان‌شهری تهران تلاش شده با نگاهی ساختاری به مشخصات تحولات فضایی منطقه، تبیین ویژگی‌های تحول منطقه آسان تر شود. از این روابه توجه به ویژگی‌ها و مشابهت‌های ساختاری در روند تکوین و شکل‌گیری هسته‌های سکونت‌گاهی جدید در فواصل مشخص و ناپیوسته با مادرشهر اصلی به تشییه این روند با روند توسعه بیماری غدد سرطانی در بدن پرداخته و مفهوم «متاستاز یا فراگستری» از علوم پزشکی به استعاره گرفته شده است. در واقع از الگوی رشد متاستاتیک یا روند گسترش غده‌های سرطانی جدید و شیوه‌ی پراکندگی آن‌ها در بدن موجودات زنده، به عنوان مدلی برای توجیح و پیگیری رشد های جدید مناطق کلان‌شهری بهره گرفته شد. در راستای بیان مفهوم و تشخیص روند در محدوده‌ی مورد مطالعه، از شیوه‌های کارتوگرافی و بررسی عکس‌های هوایی دوره‌ای و همچنین مشاهده و پیمایش میدانی استفاده شده

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۳۴



شکل ۲. قرارگیری شهرستان دماوند در پهنه‌ی سرزمینی؛ مأخذ: نگارندگان.

شكل‌گیری سکونت‌گاه‌های جدید برنامه‌ریزی شده همچون شهر جدید پردیس یا نمونه‌های خودرو و بدون برنامه در محور دماوند به صورت منفک و بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های مناسب از جمله حمل و نقل کارآمد، نبود برنامه‌ی یکپارچه برای این محور و اجرای برنامه‌های جداگانه برای هر شهر و روستا بدون در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان یک «کل واحد»، رشد پراکنده و «لکه‌ای»<sup>۸</sup> در این منطقه را در پی داشته است. در سال‌های گذشته در محور شرق استان تهران (همچون دیگر محورهای منطقه‌ی کلانشهری تهران)، طرح‌های جامع و هادی در شهرها و روستاهابه صورت غیر یکپارچه و جدای از هم، پیگیری شده است. گسترش توسعه‌های لکه‌ای و عدم کنترل منطقه‌ای، نوع تازه‌ای از سوداگری زمین و مسکن را به وجود آورده که تعادل فعالیت و سکونت را در سطح منطقه برهمنموده است. شرایط قابل پیش‌بینی برای آینده‌ی مراکز با رشد پراکنده، می‌تواند افزایش سرعت رشد فیزیکی و پخشایش نامنظم و مرکزگریز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی باشد که خود منجر به شکل‌گیری مراکز تمرکز جدید خواهد شد. ادامه‌ی این روند، ناکارآمدی اقتصادی و افزایش قطبی شدن اجتماعی و فضایی را در پی خواهد داشت و زمینه برای الگوهای توسعه شهری نابرابر و شرایط ناعادلانه‌ی زندگی فراهم خواهد شد.

البرزو ارتفاعات شمالی تا په‌ماهور میانی و شیب‌های کم در پهنه‌ی جنوبی گسترده شده است. شهرستان دماوند به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص آب و هوایی و خاک مناسب، شرایط مطلوبی را جهت ایجاد و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و گردشگری فراهم آورده است. موقعیت قرارگیری شهرستان دماوند در پهنه‌ی سرزمینی در شکل زیر نشان داده شده است.

ساختمان‌فضایی کاربری زمین در شهرستان دماوند، حاکی از آن است که اولاً بخش قابل توجهی از مساحت شهرستان به کاربری‌های بخش کشاورزی همچون زراعت، باغداری، مرتع، جنگل و غیره اختصاص دارد و دیگر آن که الگوی پراکنش سکونت‌گاه‌های این شهرستان و به ویژه نقاط روستایی، متأثر از دو عامل زمین حاصل خیز و شبکه راه‌ها بوده است. جریان‌های جمعیتی شهرستان دماوند را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم نمود. به طور کلی سه جریان جمعیتی داخلی در شهرستان دماوند وجود دارد که شامل جریان‌های روستا به شهر، شهر به شهر و روستا به روستا می‌باشد. از این میان، جریان‌های روستا به شهر، که عمده‌ای معنای خروج نیروی کار از بخش تولید است، و جریان شهر به شهر، عمده‌تر از دیگر جریان‌ها است. مهاجرت داخل شهرستانی، عمده‌ای دارای مقصد شهری می‌باشد (۸۰ درصد کل مهاجرت داخل حوزه) و این امر، نشانه ضعف بخش تولید و به ویژه تولید کشاورزی در شهرستان و در مقابل، وضعیت بهتر بخش خدمات در مراکز شهری است. به همین دلیل، هر سال، بخشی از جمعیت کشاورز و باغدار شهرستان، بخش کم‌بازده کشاورزی در روستا را رها نموده و در شهرها ساکن می‌شوند. شهرستان دماوند با حوزه پیرامونی خود نیز تبادلات جمعیتی قابل ملاحظه ای دارد. این تبادلات، عمده‌ای استان تهران صورت می‌گیرد. جریان‌های خارج به داخل، شامل ورود کارکنان ادارات دولتی، دانشجویان، ویلانشینان در حوزه‌های پیرامون شهرها و کارگران ساختمانی می‌باشد. جریان داخل به خارج نیز غالباً شامل خروج نیروی کار روستایی و نیز، جوانان تحصیل کرده از شهرستان است.

**۴ الگوی جدید رشد در منطقه‌ی کلان شهری تهران** با توجه به اینکه دریافت روح و شرایط حاکم بر توسعه منطقه، بدون بازنگشت دوره‌های رشد پیشین و سیر تحول آن میسر نخواهد شد، ابتدا به صورت مختصر، به بررسی مجدد و هدفمند این روند در مورد مادرشهر تهران پرداخته شده است. شهر تهران پس از تبدیل شدن به پایتخت در سال ۱۷۸۶ میلادی، رشد سریع تری را نسبت به روند معمول و طبیعی موجود در ایران را تجربه کرد. ثابت ماندن مساحت شهر تا دهه ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) موجب افزایش تراکم جمعیتی و ساخت و ساز داخل حصار شهرگشته بود. در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی با تخریب باروهای شهر، توسعه به سوی اطراف آغاز شد.

صورتی که مساحت محدوده شهری در سال ۱۳۴۵ خورشیدی با ۱۸۱ کیلومتر مربع، بیش از ۷ برابر مساحت آن در سال ۱۳۰۰ خورشیدی بوده است. رشد های نیمه متصل و با سرعت زیاد در حومه های نزدیک از شاخصه های این دوران به حساب می آید. از حدود دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، پراکنده رویی به شخصیت اصلی

در اوایل این دوران، رشد فیزیکی شهر به صورت پیوسته در اطراف شهر صورت می گرفت و با توجه به روند فزاینده مهاجرت ها به سوی تهران، هر روز برقیاز افراد به مسکن و فعالیت افزوده می شد. از همین زمان به تدریج نوع رشد سکونتگاه ها تغییر یافت و آبادی های زیادی در اطراف، به محدوده شهری وارد شدند به

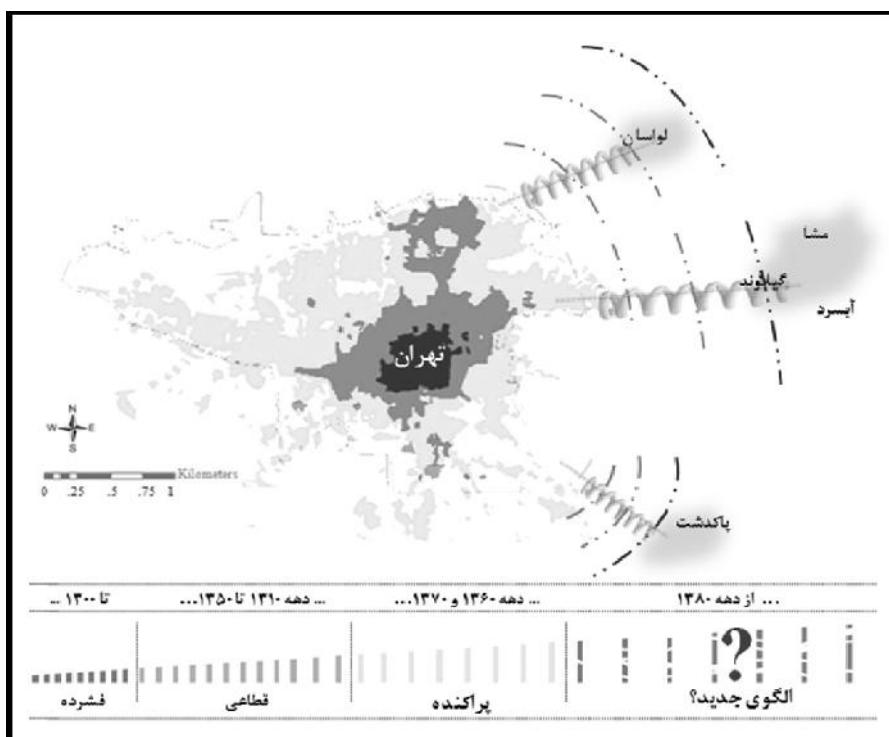
جدول ۱. شاخصه های اصلی روند رشد در منطقه کلان شهری تهران؛ مأخذ: گردآوری نگارندگان.

شاخصه های اصلی الگوهای رشد در دهه های پیشین (از مرکز تا پراکنده رویی)	شاخصه های الگوی جدید		
دهه ۱۳۵۰	دهه ۱۳۶۰	دهه ۱۳۷۰ و	دهه ۱۳۸۰ از
پراکنده نمتر کر با تراکم بالا	متعددالمرکز نیمه متصل در حال گذار سریع	حاشیه ای غالباً جدا غالباً نامترکز با تراکم پایین	پراکنده در مجاورت شهرهای درجه دوم و سوم کاملاً مجزا از شهر مرکزی نامترکز تراکم پایین منشاً گرفته از هسته اصلی
فشرده	قطاعی	پراکنده	الگوی جدید؟

## مدیریت شهری

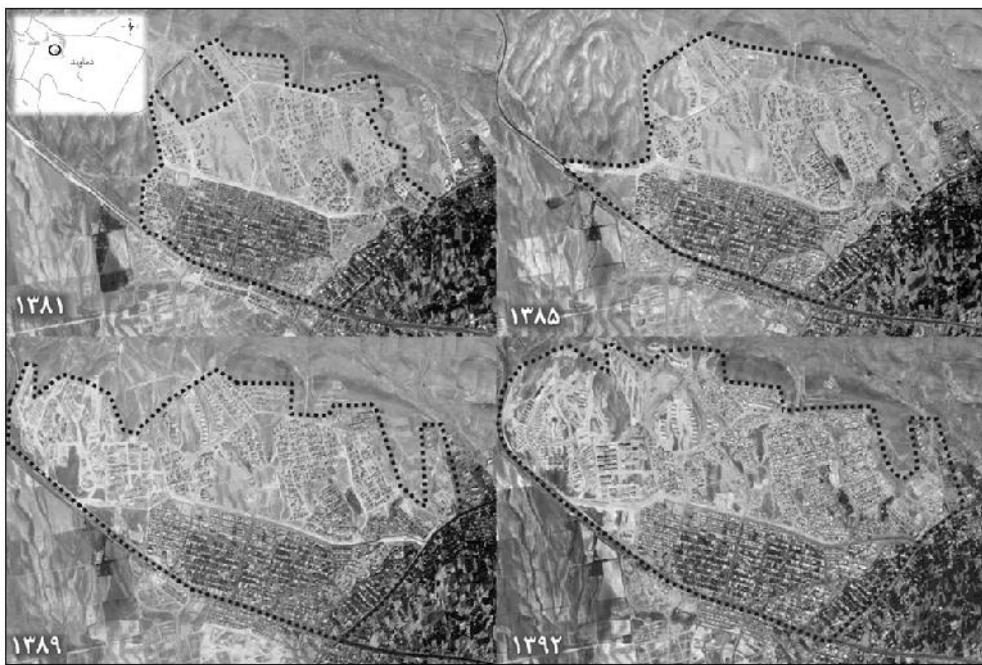
فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۳۶

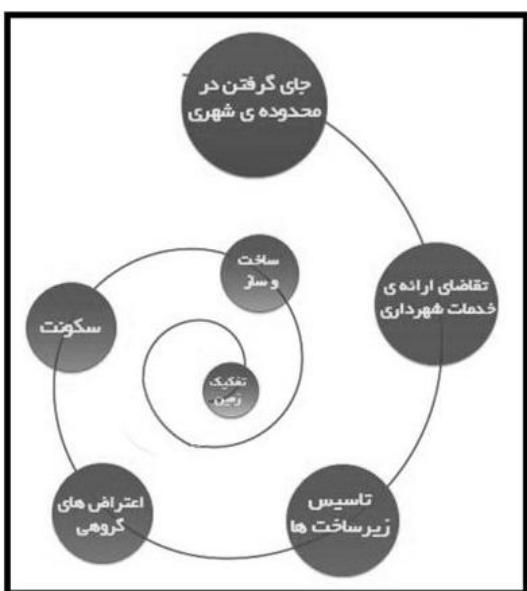


شکل ۳. الگوهای گسترش مادر شهر تهران به سوی منطقه کلان شهری از سال ۱۳۰۰ خورشیدی؛ مأخذ: نگارندگان.

- در منطقه‌ی کلان‌شهری تهران را به چند دسته تقسیم نمود:
- نوع اول: سکونتگاه‌هایی که معمولاً با تبدیل روستا به شهر یا خودرو گسترش یافته‌اند. ساختمان‌های کم کیفیت، آلدگی محیط بر اثر نبود زیرساخت‌ها، پایین بودن کیفیت زندگی و وجود تمایل زیاد ساکنان برای مهاجرت به شهرهای اصلی منطقه را می‌توان از جمله خصوصیات اصلی این گونه سکونتگاه‌ها برشمرد. اکثر ساکنان این گونه از سکونتگاه‌ها افرادی از اقشار پایین جامعه و معمولاً مهاجران غیر متخصص تشکیل می‌دهند. از این گونه، در جنوب شرق و جنوب غرب شهر تهران می‌توان به محدوده‌هایی همچون پاکدشت، قرچک، حسن‌آباد و یا اسلام‌شهر اشاره نمود.
  - نوع دوم: شهرک‌هایی با آپارتمان‌هایی با ساکنان قشر متوسط که در واقع مجموعه‌های تعاونی و یا سازمانی به شمار می‌آید (مجموعه‌هایی که اغلب ساکنان آنها در تهران فعالیت می‌کنند). ساکنان شهرک‌های مذکور با سطح درآمدی متوسط، در مجموعه‌هایی آپارتمانی با گونه‌بندی مشترک و مصالح معمولی زندگی می‌کنند. در واقع این مجموعه‌ها را می‌توان خوابگاه‌های بزرگی نامید که ساکنانشان به صورت روزانه برای کار یا برطرف کردن نیازهای اساسی خود، به یکی از شهرهای اصلی منطقه (به خصوص تهران) سفر می‌کنند. برای نمونه می‌توان به شهرک گیلاوند در ورودی غربی شهر دماوند اشاره نمود. در نمونه‌هایی همچون گیلاوند، مراحل ساخت ساختمان‌ها پیش از تأمین زیرساخت‌های شهری شروع شده است. افراد پس از سکونت و مواجهه با مشکلات موجود، با چند دوره اعتراض‌های گروهی، سازمان‌های مختلف را مجبور به ایجاد زیرساخت‌ها نموده‌اند (که به صورت ناقص و ناتمام صورت گرفته). در شکل زیر موقعیت محدوده‌ی ساخت و ساز گیلاوند در بخش ورودی شهر دماوند از سوی جنوب غربی مشخص شده است. در شکل‌های زیر، روند رشد گیلاوند از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ نشان داده شده است.
- در واقع یکی از گونه‌های رشد اطراف شهر در شهرستان دماوند به صورت الگویی مخرب و تکرارشونده به راه خود ادامه می‌دهد. با قرارگرفتن یک محدوده در مرز جدید توسعه سکونتگاه‌های منطقه‌ی کلان‌شهری تهران مبدل گشت. تفکیک زمین (اغلب منفصل از محدوده‌های موجود)، تبدیل و تغییر کاربری اراضی حومه‌ای دورتر، ساخت و ساز با تراکم‌های کمتر و با فاصله و مشکلات دسترسی و تأمین تسهیلات و زیرساخت‌ها را می‌توان به عنوان شرایط حاکم در آن زمان برشمرد. همانطور که در شکل زیر مشخص شده، شهر تهران با حرکت افزایش‌گی و تراکم به سوی پراکنده‌رویی، به منطقه‌ی کلان‌شهری با تمرکزهای دور از هم و بدون تبعیت از قوانین و برنامه‌ها مبدل گشته است. با تقسیم‌بندی سه دوره از دهه ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) تا دهه ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) و پس از آن، شاخصه‌های اصلی قابل تبیین هستند. در جدول زیر، شاخصه‌های اصلی روند رشد در منطقه‌ی کلان‌شهری تهران بیان شده است.
- اما توسعه‌ی منطقه در سال‌های اخیر با الگویی جدید هم‌سان شده که بدون شناخت مشخصه‌ها و ابعاد اصلی آن، برنامه‌ریزی و مدیریت آینده میسر نخواهد بود. به نظر می‌رسد رشد تهران در سال‌های اخیر (با تغییر از شکل دوایر متمرکز به رشد شب سلطانی)، با منشاء شهر اصلی به سوی زمین‌های اطراف شهرهای کوچکتر منطقه‌ی پراکنده شده است (شکل ۲).
- این نوع از رشد شباهت‌هایی با پراکنده‌رویی دارد اما با توجه به شاخصه‌های جدید آن، بهتر است الگوی تازه‌ای برای شناخت و اندازه‌گیری آن بیان شود. در واقع سؤالی پیش می‌آید که چگونه این الگو قابل نام‌گذاری، تحلیل و آمیش است؟ به میان آوردن نام‌ها و مدل‌های جدید برای تبیین گونه‌های توسعه، هدفی فراتر از شناخت ظاهری و نام‌گذاری صرف دارد؛ در واقع با شناخت کامل این پدیده، مقدمات تصمیم‌سازی برای برنامه‌ریزی و اجرا در آینده فراهم می‌آید.
۱. رشد متاستاتیک (فراگسترنی)؛ رویه‌ای تازه در رشد پراکنده با توجه به اینکه دسته‌بندی‌های متعدد برای انواع رشد در مناطق کلان‌شهری ارائه شده، اما به نظر می‌رسد بر اساس روندهای بررسی شده در پژوهش حاضر به ویژه با تأکید بر سکونتگاه‌های شهرستان دماوند در محور شرقی تهران، بتوان الگوی رشد سکونتگاه‌های جدید



شکل ۴. روند رشد و ساخت و سازهای گیلان‌وند از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ (برگرفته از عکس‌های هوایی گوگل ارت)



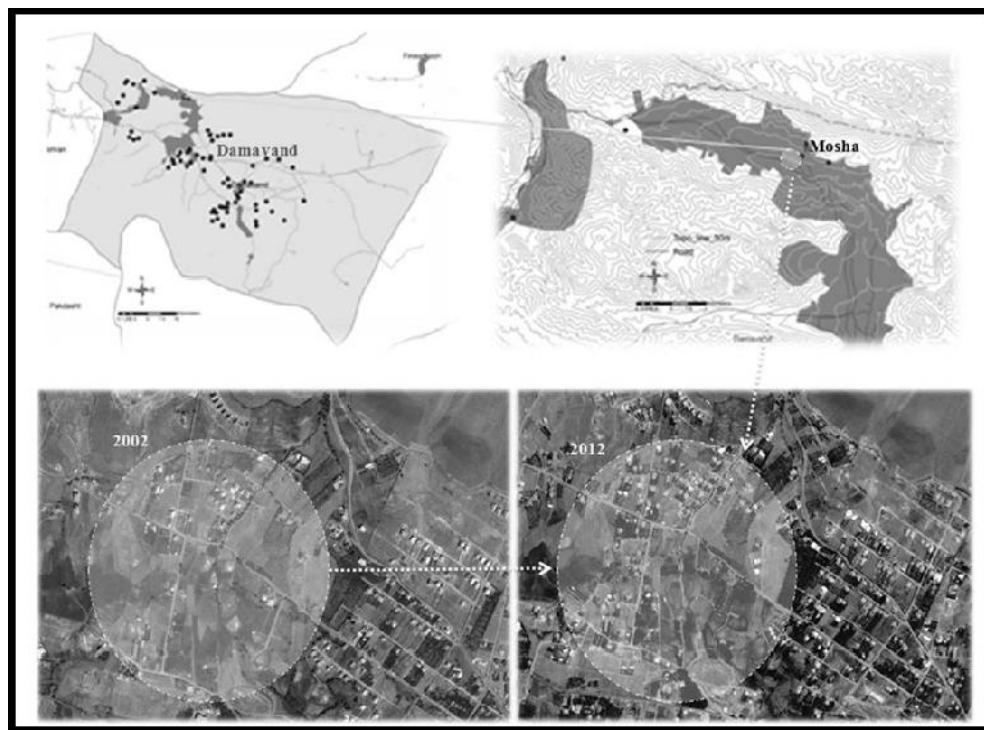
شکل ۵. الگوی مخرب گسترش حومه‌های شهری اطراف شهرها در شهرستان دماوند؛ مأخذ: نگارندگان.

محسوب می‌شود. از محدوده‌های روستایی که مقصد ویلاسازی‌های لوکس منطقه کلان شهری تهران به شمار می‌آید، می‌توان به کردان و برقان در غرب، لواستان در شمال و مشا و آبسرد در شرق (شهرستان دماوند) اشاره نمود که الگویی کاملاً متفاوت با توسعه سکونتگاه‌های دائم در فضاهای حومه‌ای مادر شهر دارد.

شهر، زمین‌های بخش کناری با شرط عدم تقاضای زیرساخت، تفکیک و فروخته می‌شود. این روند را می‌توان به صورت ساده شده، در شکل زیر به نمایش گذاشت.

زمین‌های جنوبی محدوده ورودی شهر دماوند با نام جیلان‌وند در ابتدای این روند قرار دارد، به طوری که بر اساس مشاهده‌های میدانی، در حال حاضر مراحل ساخت بدون زیرساخت در بعضی قطعه‌ها آغاز شده که با در نظر گرفتن رویه مرسوم و عدم کنترل و اصلاح آن، در سال‌های آتی همچون محدوده‌ی گیلان‌وند به شهر دماوند الحق خواهد شد و نوعی گسترش فضایی شهر را در پهنه‌های خاص به دنبال خواهد داشت.

- نوع سوم: سکونتگاه‌هایی با خانه‌های مجلل که با اهدافی همچون تفریح و خوش‌گذرانی، برای روزهای محدودی در سال و معمولاً اواخر هفته و یا روزهای گرم سال مورد استفاده‌ی گروه‌های درآمدی بالا قرار می‌گیرد. این گونه سکونتگاه‌ها از الگوی فضایی مشخص و منظمی پیروی نمی‌کند و در بسترهای جغرافیایی با شرایط آب و هوایی و چشم‌انداز مناسب پراکنده می‌شود. در واقع الگویی جدید از رشد سکونتگاهی در مناطق، با ساکنان اغلب تهرانی



شکل ۶. رشد خانه‌های دوم در حومه‌های روستایی مشا، از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ (برگرفته از نقشه‌های اطلاعات جغرافیایی استان تهران و عکس‌های هوایی گوگل ارت)

## میراث شهری

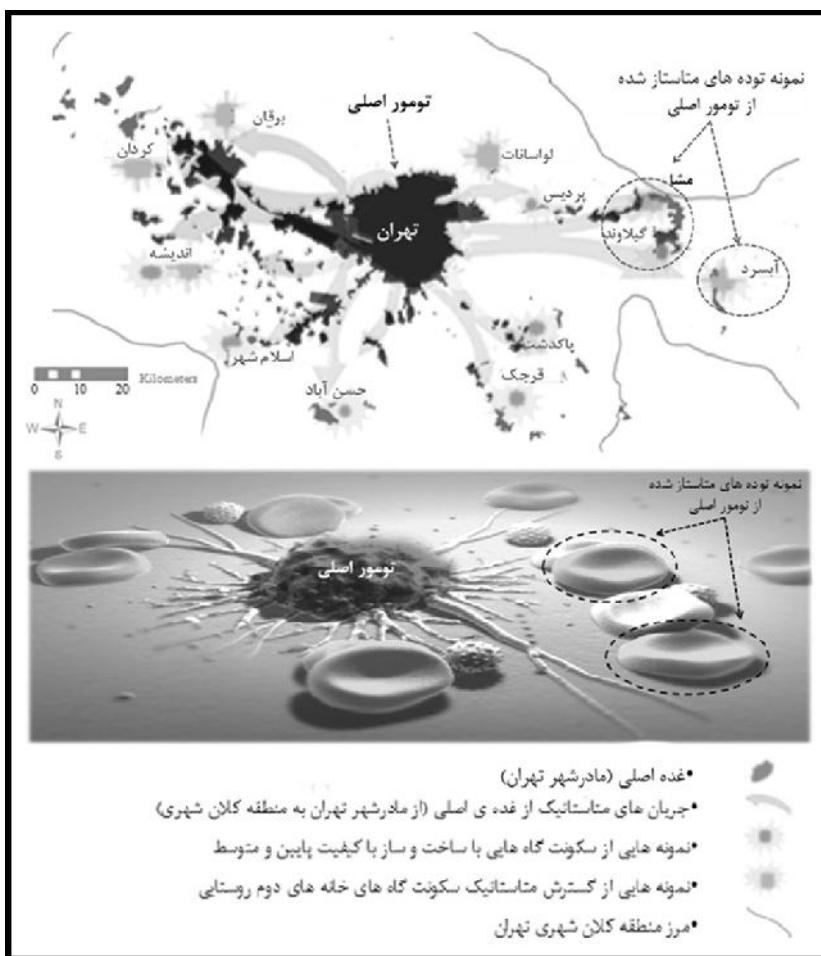
فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۲  
No.35 Summer 2014

۲۳۹

نحوه پراکنش آن‌ها می‌تواند به عنوان گونه‌ای جدید تلقی گردد که متأثر از رشد فضایی تهران به سوی فضاهای پیراشهری است. این خانه‌ها در زمین‌های اطراف روستاها و در نزدیکی شهرهای کوچک‌تر منطقه، بدون تبعیت جغرافیایی از مسیر، شیب، منظر، فاصله و نسبت قرارگیری با ساختمان‌های دیگر و ... ساخته می‌شود. روشی از این گونه را در قسمت شمالی شهرستان دماوند، به عنوان یکی از این گونه روستاهای حساب می‌آید. رشد و پراکندگی ویلاهای لوکس در این روستا با الگویی بدون برنامه و بدون توجه به شرایط روستا در سال‌های اخیر، یکی از گونه‌های رشد الگوی جدید به حساب می‌آید. در شکل زیر روند ساخت و ساز از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ به تصویر درآمده است.

تشابه زیاد شکلی و رویه‌ای میان ایجاد این سکونتگاه‌ها و تومورهای سرطانی وجود دارد، از این رو می‌توان نام رشد متاستاتیک<sup>۹</sup> یا فراغسترهای را برایش برگزید. همان‌طور که در فرهنگ آکسفورد آمده، «متاستاز» به

9. Metastatic Growth  
10. American Cancer Society



شکل ۷. شباهت گسترش فضایی جدید منطقه‌ی تهران و رشد متاستاتیک (فراگسترنی) سلول‌های سرطانی (تصویر مربوط به غده‌ی سرطانی برگرفته از TRBR, 2012 می‌باشد)

سلول‌های سرطانی بدون درنظر گرفتن نوع پراکندگی شان در بدن، با نام ارگان منشا سرطان خوانده می‌شود. برای مثال سلول‌های سرطانی کبد که به مغز استخوان پراکنده شده‌اند سرطان کبد خوانده می‌شود. برخی سلول‌های سرطانی که از بافت اولیه جدا می‌شود، بدون رشد از بین می‌رود و تعدادی دیگر با توجه به شرایط بافت پذیرنده، ادامه‌ی حیات داده و رشد متاستاتیک را پدید می‌آورد.

پیدایش پهنه‌های جدید از گونه‌های اسکان در محدوده‌های کاملاً جدا و به دور از مادرشهر و حتی شبکه راه‌های اصلی، مانند ویلاهای مشا و شهرک‌های ویلایی آبسرد در منطقه دماوند کاملاً در ارتباط با مادرشهر (به عنوان تومور اصلی) را می‌توان منطبق با توده‌های سلولی جدید تومور اصلی سرطان دانست که در جاهای اوقات فراغت در روستا یا تعیین مکان زندگی در منطقه

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

■ ۲۴۱ ■

اندکی از سال وجود دارد، و یا اسکان و فعالیت در دونوع سکونتی اول (اقشارکم درآمد) و دوم (اقشار متوسط) در حوزه جغرافیایی مشترک با هم همراه نمی‌شود، نمی‌توان چنین روندی را تشخیص داد. علاوه بر آن، گسترش با الگوی ظاهری نامنظم این سکونتگاه‌ها در منطقه، ضمن آن که منظر طبیعی منطقه را خدشه دار نموده، به مصرف بیشتر منابع، نیز منجر شده است. از منظر اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این روند را می‌توان اثرات آن بر شهرها و روستاهای پیرامون دانست.

عدم تجانس و ناهمگونی شدید فرهنگی و اقتصادی ساکنان ویلاهای جدید با ویژگی‌های فرهنگی سایر ساکنان بومی، تعارض‌های جدی را در این فضاهای ایجاد می‌کند که به نوبه‌ی خود، نیازمند بررسی گستردگی است. ساخت و سازهای سال‌های اخیر با تغییر پوشش گیاهی ناحیه، و تغییر کاربری‌های متعدد، روند توسعه‌ی روستاهار اکاملاً دگرگون ساخته است و رشد متابستاتیک، تأثیرات مخربی بر محیط زیست منطقه به همراه دارد.

بخش قابل توجهی از این شرایط با پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهای طرح‌ها و برنامه‌های استان تهران مغایر بوده است. برای مثال، محدوده‌ی روستای مشا در شمال شهرستان دماوند، در برنامه‌ی آمایش استان تهران (سال ۱۳۸۵)، محوری متناسب برای فعالیت‌های متتمرکز و گستردگی گردشگری، با قابلیت زیاد برای بازدیداری و درختکاری در نظر گرفته شده بود (مهندسين مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۸۹)، که در حال حاضر با ساخت و ساز ویلاهای روستایی از برnameه نشده است. خانه‌های لوکس در «مشا» و برخی از روستاهای دیگر در دماوند معمولاً در ۲ تا ۳ طبقه با هزینه‌های بسیار بالا ساخته می‌شود. از این خانه‌ها معمولاً به عنوان سکونتگاه‌های تفریحی برای آخر هفته استفاده می‌شود. ساکنان روستایی در حال حاضر با کمبود منابع آب و آلودگی آب‌های زیرزمینی به دلیل ایجاد چاه برای این خانه‌های لوکس رو به رو هستند. در حال حاضر در ایران ایجاد قطب‌های قدرتمند منجر به انشاستگی مردم در مناطق مرکزی و تخلیه مناطق اطراف آن شده است. تخریب چشم‌اندازهای طبیعی در سکونتگاه‌های

کلان‌شهری تهران و فعالیت در شهر اصلی به حساب می‌آید.

شکل زیرنمونه‌هایی از نقاط متابستاز شده از تومور اصلی یعنی شهر تهران را نشان می‌دهد. همچنین در شکلی نمادین که برگرفته از پژوهش صورت گرفته توسط گروه تحقیقاتی دانشگاه ناتینگهام<sup>۱۰</sup> در سال ۲۰۱۲ در مورد سلطان سینه می‌باشد، شbahat روند متابستاز در سلول‌های سرطانی با شرایط منطقه کلان‌شهری تهران نشان داده شده است.

البته در این میان، تمایل روستاییان برای فروش زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها به منظور ساخت ویلا، به عنوان رکن دیگر وقوع این نوع از ساخت و ساز نوع سوم، ایفای نقش می‌کند. وجود انگیزه‌های اندک کشاورزان برای باقی ماندن در روستا به علت سود ناکافی بخش کشاورزی و کمبود فعالیت در بخش صنایع تبدیلی کشاورزی در شهرستان و کم‌رنگ شدن نقش فعالیت کشاورزی نسبت به خدمات، استفاده از ادوات و امکانات قدیمی کشاورزی، عدم شکل‌گیری اصناف و تعاوونی‌های مستقل کشاورزی روستایی و تأثیر منفی ساخت و سازهای جدید بر کیفیت و میزان دسترسی به منابع آبی منطقه، از جمله عوامل ترغیب روستاییان به فروش زمین برای کسب درآمد به حساب می‌آید. همچنین عدم رعایت قوانین مربوط به زمین‌های اطراف شهرها و متولی‌گری‌های غیر اصولی در راستای واگذاری زمین‌های غیرشهری و یا حتی اراضی عمومی و مراتع به ارگان‌ها و تعاوونی‌ها و به دنبال آن، ورود سوداگران و بورس‌بازان زمین به عرصه‌های مالکیت زمین‌های مذکور نیز شرایط را برای تبدیل جریان‌های سرطانی جداشده از تومور اصلی به متابستاهای جدید فراهم می‌کند. درواقع جریان‌های سرطانی از شهر تهران به سوی فضاهای اطراف گسیل شده و در نقاط پذیرنده، تومورهای سرطانی جدیدی را تشکیل می‌دهد.

این الگوی نوین می‌تواند پیامدهای گوناگونی بر محیط داشته باشد. هرچند در نگاه اول، می‌توان بیان داشت که نوعی روند مرکزگریزی نسبت به تهران را نشان می‌دهد، اما از آنجایی که اسکان در ویلاهای لوکس، تنها در بخش

تاژه‌ای را در نوع نگرش‌های شناختی، برنامه‌ریزی و اجرایی ایجاد خواهد کرد. با توجه به سرعت فزاینده این گونه از رشد که در این پژوهش با عنوان "رشد متاستاتیک" تعبیر شده است، اهمیت ایجاد تغییر در روند مطالعات و مدیریت گسترش فضایی مناطق واضح می‌گردد. ماهیت این گونه از توسعه چه از لحاظ فضایی و جغرافیایی و چه از لحاظ جریان‌های اجتماعی و فرهنگی، مبین سطح پیچیدگی روش‌های مورد نیاز جهت مواجهه می‌باشد. پرداختن انتزاعی به مسائل تخریب محیط زیست، ناهمگونی اجتماعی پهنه گسترش‌های جدید (متاستازهای جدید)، تضادهای اقتصادی و غیره بدون لحاظ سیستمیک مسائل مادرشهر (تومور اصلی) برخوردي ساده انگارانه خواهد بود. مواجهه با این مسئله در ظرف دستورالعمل‌ها و شرح خدمات مطالعات مناطق، نواحی، شهرهادر غالب طرح‌های توسعه روستا، شهر، شهرستان یا ناحیه قرار نمی‌گیرد. این موضوع، ضرورت بیشتر بازنگری آن‌ها را یادآوری می‌کند. روند مذکور در برخی مناطق کلان شهری ایران (همچون اصفهان، تبریز و مشهد) و جهان به صورت مشابه در حال وقوع است. با توجه به این امر، به نظر می‌رسد یافتن روشی مناسب برای مدل‌سازی و شناخت و اندازه‌گیری ابعاد آن در مناطق مختلف در مطالعات آتی ضروری باشد. با توجه به تفاوت‌های موجود میان الگوهای مناطق مختلف، نگاه منعطف و خلاق برای یافتن راه حل‌های متناسب با شرایط رشد هر منطقه می‌تواند به عنوان اصل مهمی در ادبیات آموزشی و تغییرات مدیریتی و حرفه‌ای در هر منطقه به صورت خاص مورد توجه قرار گیرد.

#### منابع و مأخذ

۱. داودپور، ز. (۱۳۸۸) تعادل بخشی شهر تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری.
۲. دورلند، و. ا. (۱۳۸۰) فرهنگ پژوهشی دورلند، ترجمه محمد هوشمند ویژه، چاپ اول: نشر کلمه، چاپ دوم، تهران: انتشارات توتیا.
۳. زبردست، ا.، حاجی پور، خ. (۱۳۸۸) تبیین فرآیند

روستایی به دلیل ساخت و سازهای جدید، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش خدمات و تکرار این الگودر دیگر مناطق شهری ایران در سال‌های اخیر، بر ضرورت توجه به این مسائل در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند. از سوی دیگر تغییرات در استفاده از زمین در این مناطق منجر به پیشروعی بازار زمین از داخل شهرها به مناطق اطراف شده که موجب خروج سرمایه از چرخه مولد اقتصادی و ورود به بازار زمین و مسکن و پیگیری روندی مخرب در نواحی شهری و روستایی و به دنبال آن، بروز نابرابری‌های فضایی شده است.

#### ۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روح رشدهای اخیر در مناطق کلان شهری همچون تهران، با تشکیل قطبی متمرکز و پراکنده شدن ناموزون سکونتگاه‌ها در پیامون آن، قابل شناسایی است. این روند به جای حرکت به سوی کلان شهری شدن مثبت طی می‌شود. متمرکز شدن افراد برای سکونت و فعالیت در قطب‌ها و زهکشی نواحی پیرامونی، پیامدی منفی در پی ایجاد قطب‌های قادرمند محسوب می‌شود. با بررسی نمونه‌ی تهران و نگاه خاص به محدوده‌ی دماوند روش نشده سکونتگاه‌های اطراف تهران به جای پیمودن روند کلان شهری شدن، به قطب‌های غیر مولد و رشدگاهی منفک از مادرشهر ولی در ارتباط مستقیم با مادرشهر تبدیل شده است. این سکونتگاه‌ها به عنوان نقاطی برای جذب متقاضیان مهاجرت به مادرشهر عمل می‌کند، به نحوی که مهاجران با ورود به نقاط جدید در منطقه کلان شهری در صفحه ورود به مادرشهر (و قرارگرفتن در هسته غده سرطانی) قرار می‌گیرند. از سویی دیگر مهاجرت‌های درون منطقه‌ای موقت نیز قابل مشاهده است. رفت و آمد روزانه بین شهرک‌ها و سکونتگاه‌های نوع اول (اقشارکم در آمد) و دوم (اقشار متوسط) منطقه برای فعالیت و دسترسی به نیازها به شهرهای اصلی، و سفرهای ساکنان نوع سوم (اقشار در آمد بالا) با هدف تفریح و گذران اوقات فراغت (در نواحی روستایی) در زمان‌های خاص هفته یا سال بین شهر اصلی و مقاصد روستایی از این دست به شمار می‌آید. مطرح کردن مبحث گونه‌ای جدید از توسعه فضایی، ابعاد

- Available from:  
<http://store.ectap.ro/article/874>.
13. Hamilton D.K. (1999). "Governing Metropolitan Areas, Response to Growth and Change". Taylor & Francis Group.
  14. EEA (European Environment Agency,) "Urban sprawl in Europe - The ignored challenge", Available from: [http://www.eea.europa.eu/publications/eea\\_report\\_2006\\_10/pdf](http://www.eea.europa.eu/publications/eea_report_2006_10/pdf), [Accessed 21/1/2012].
  15. Merriam-Webster (1995), Medical Dictionary, Massachusetts: Merriam Webster Incorporated.
  16. Moriconi-Ebrard F. (2000). De Babylone à Tokyo Les grandes agglomérations du monde. Paris, Géophrys.
  17. Pyka R.(2010). "Development of the Metropolis of Upper Silesia as the result of globalisation processes in the opinion of its inhabitants – a theoretical and empirical view." In Beyond Globalisation: Exploring the Limits of Globalisation in the Regional Context (conference proceedings), 177-188. Available from: <http://conference.osu.eu/globalization/publ/22-pyka>. [Accessed: 04/10/2012]
  18. Simmonds R, Hack G (2001). "Global City Regions: Their Emerging Forms. London: Spon Press.
  19. Translational & Radiation Biology Research (2012), University of Nottingham research groups. available online: <http://www.nottingham.ac.uk/Research/Groups/TranslationalRadiationBiology/Imaging/home-page-rotate/Metastasis.jpg>. [Accessed: 04/07/2013]
- شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۰۵-۱۲۱.
۴. سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۵) فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر آبیث.
۵. شکویی، ح. (۱۳۸۶) اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)، تهران: انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتografi گیاتاشناسی.
۶. طبیبیان، م. و اسدی، ا. (۱۳۸۷) بررسی و تحلیل عوامل پراکنده رویی در توسعه فضایی مناطق کلان‌شهری، فصلنامه هنر، شماره ۲، صص ۲۴-۵.
۷. مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز (۱۳۸۹) طرح تهییه و تدوین آمایش استان تهران، فصل تحلیل نظام شهری و روستایی، گزارش هشتم، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران.
8. American Cancer Society (2012) Advanced Cancer. Available from: <http://www.cancer.org/acs/groups/cid/documents/webcontent/003082-pdf.pdf>. [Accessed 22/02/2013]
9. Bourdeau-Lepage L., & Huriot, J M. (2002). Metropolization in Warsaw Economic Change and Urban Growth, Canadian Journal of Regional Science , No 21 : 3,pp 423-446. Available from: <http://www.cjrs-resr.org/archives/25-3/lepage.pdf> [Accessed 26/09/2012]
10. Bourdeau-Lepage L. (2011). La métropolisation 15 ans après, in Cahiers du GREThA: Groupe de Recherche en Economie Théorique et Appliquée n 2011-13, Université Montesquieu Bordeaux IV, Available from: <http://cahiersdugretha.u-bordeaux4.fr/2011/2011-13.pdf>, [Accessed: 09/07/2013].
11. Bourne L. (1999). "ALTERNATIVE MODELS FOR MANAGING METROPOLITAN REGIONS: THE CHALLENGE FOR NORTH AMERICAN CITIES". International Forum on Metropolization 22 February 1999, Santa Cruz, Bolivia.
12. Dumitrică d. Dinui t.(2013). THE METROPOLITAN AREA AS A KNEE-JERK RESPONSE TO THE MULTILEVEL GOVERNANCE AND ITS DERIVED NATIONAL PUBLIC DECISIONS. Theoretical and applied economics, vol 18, issue 6, pp 119- 138,

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۴۴